

مقایسه ویژگی‌های شخصیت و سبک‌های مقابله با استرس در زنان مطلقه تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) و زنان عادی شهرستان کارون

سمیه محیط*
پرویز عسگری**

چکیده

هدف از پژوهش حاضر مقایسه ویژگی‌های شخصیت و سبک‌های مقابله با استرس در زنان مطلقه تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) و زنان عادی بود. نمونه آماری این پژوهش را ۲۷۰۱ نفر از زنان مطلقه و زنان عادی تشکیل دادند که به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند (۱۳۵ نفر مطلقه و ۱۳۵ نفر زن عادی). طرح پژوهش از نوع علی-مقایسه‌ای بود. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه‌های ویژگی شخصیت نتو (۱۹۸۵)، سبک‌های مقابله‌ای لازاروس و فولکمن (۱۹۸۵) بود. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از تحلیل واریانس چندمتغیری (مانوا) استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد که بین ویژگی‌های شخصیت (برونگرایی، روان رنجوری، انعطاف پذیری، دلبذیر بودن و وجدانی بودن) و سبک‌های مقابله‌ای با استرس (مساله مدار و هیجان مدار) در زنان مطلقه تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) و زنان عادی تفاوت معنی داری وجود دارد. به عبارتی میانگین دو گروه زنان مطلقه نسبت به زنان عادی از لحاظ ویژگی برونگرایی، انعطاف پذیری و دلبذیر بودن و وجدانی بودن از میانگین پایین تری برخوردارند و از نظر ویژگی‌های روان رنجوری میانگین بالاتری داشتند و از نظر سبک مقابله‌ای مساله مدار زنان مطلقه نسبت به زنان عادی از میانگین پایین تر و از بابت سبک مقابله‌ای هیجان مدار از میانگین بیشتری برخوردار بودند.

کلید واژگان: ویژگی‌های شخصیت، سبک‌های مقابله با استرس، زنان مطلقه.

* کارشناسی ارشد گروه روان‌شناسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

** دانشیار گروه روان‌شناسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران. (نویسنده مسئول، ایمیل: Askary47@yahoo.com)

مقدمه

طلاق^۱ فرایندی است که با تجربه‌ی بحران عاطفی هر دو زوج شروع می‌شود و با تلاش برای حل تعارض از طریق ورود به موقعیت جدید با نقش‌ها و سبک زندگی جدید خاتمه می‌یابد (گاتمن^۲، ۲۰۰۰). مطالعه‌ی روابط زوجین به درک چارچوب‌های ساختاری روابط زوجین کمک می‌کند. در بررسی علت طلاق علاوه بر عوامل اجتماعی، اقتصادی، و حقوقی، توجه به علل فردی و روان‌شناختی از جمله کیفیت روابط زناشویی که منجر به طلاق می‌شود از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. کیفیت روابط زناشویی نقش اساسی در ارزیابی کیفیت کلی ارتباطات خانوادگی دارد. کیفیت روابط زناشویی مفهومی چند بعدی است و شامل ابعاد گوناگون ارتباط زوجین مانند سازگاری، رضایت، شادمانی، انسجام، و تعهد می‌شود (تروکسل^۳، ۲۰۰۶).

طلاق پیامدهای منفی فراوانی از قبیل خطر فزاینده آسیب روانی، میزان تصادف‌های اتومبیل منجر به مرگ، شیوع فزاینده بیماری جسمی، خودکشی، خشونت، قتل برای زوجین و خطر افسردگی و خودکشی، انزوا و شایستگی پایین، مشکلات تندرستی و عملکرد تحصیلی پائین برای فرزندان دارد. یکی از عوامل تاثیرگذار بر طلاق زوجین، ویژگی‌های شخصیت^۴ است. شخصیت انسان از ماهیت پیچیده‌ای برخوردار است. در مورد شخصیت نظریه‌های متفاوتی وجود دارد. از آنجایی که ویژگی‌های شخصیت پایه و مبنای روان‌شناسی است، شناخت شخصیت افراد می‌تواند وسیله‌ای برای درک ماهیت آدمی و همچنین، برای پیش‌بینی رفتار انسان‌ها باشد (شاه نظری و قادری، ۱۳۸۵).

عامل موثر دیگر بر طلاق استرس^۵ است. استرس آثار فراوانی بر عملکرد فرد و اعضای خانواده در زندگی دارد از جمله، کنشوری فرد در قلمرو اجتماعی، روان‌شناختی، جسمانی و خانوادگی را دچار اختلال می‌کند. براساس ایجاد تغییرات روان‌شناختی مانند افزایش تحریک پذیری، اضطراب، تنش حالت عصبی و ناتوانی در مهار خود، روابط اجتماعی و خانوادگی را مختل می‌کند؛ در ایفای نقش حرفه‌ای یا والدینی ضعف و سستی به وجود می‌آورد؛ با تضعیف نظام مصون‌کننده بدن، فرد را مستعد ابتلاء به بیماری‌ها می‌سازد، کارآمدی وی را قبل و بعد از بروز بیماری کاهش می‌دهد و به افزایش بار تنیدگی کسانی که باید این غیبت‌ها و کم‌کاری‌ها را جبران کنند، منجر می‌شود. استرس درازمدت، بیماری‌های مزمن مانند بالا رفتن فشار خون، بیماری‌های قلبی، بیماری‌های قند یا حمله‌های نفس تنگی و... را در پی دارد؛ بیماری‌هایی که به صورت زودرس سلامت فرد را مختل می‌کنند و در موارد شدید به مرگ نا به هنگام منتهی می‌شود. استرس و بحران‌های روزمره از جمله تهدیدهای بهداشت جسمانی و روانی است (بنت و ویلز^۶، ۲۰۱۰). واقعیت این است که تنیدگی در زندگی روزمره امری اجتناب ناپذیر است (بوندس^۷، ۲۰۰۶). ولی مهم آن است که چگونه و با چه روش‌هایی انسان با این استرس‌ها و بحران‌ها کنار آید؟ مطالعه پاسخ انسان در موقعیت‌های استرس‌زا نشان می‌دهد که انسان در برابر تهدیدها و سمبول‌های خطر با استرس واکنش نشان می‌دهد، اما شدت این واکنش استرس بسته به اینکه یک موقعیت معین را تا چه حد

۱. divorce

۲. Gottman

۳. Troksel

۴. personality trait

۵. stress

۶. Bennett & Wells

۷. Bounds

استرس را ادراک می کنند نوسان دارد (بنت و ویلز، ۲۰۱۰). روان‌شناسان معتقدند که زنان مطلقه هم از حیث مادی و هم از حیث روانی و عاطفی دارای مشکل بوده و استرس و اضطراب بیشتری را تجربه می کنند. پژوهش لرنز و ویکراما (۲۰۰۶) نشان داد که زنان مطلقه به گونه ای معنا دار سطوح بالاتری از بیماری های جسمی و روحی را دارا می باشند، چرا که بر اساس نتایج تحقیقات روان‌شناسی احتمال ابتلا به بیماری های روانی در زنانی که طلاق گرفته اند و سرپرستی خانواده را نیز بر عهده دارند از متأهلین و کسانی که تنها زندگی می کنند بیش تر است و آنان میزان بالاتری از حوادث پر استرس زندگی را که در نهایت به افسردگی منجر می شود را تجربه می کنند. به این جهت کاملاً ضروری به نظر می رسد که نگاهی به وضعیت شخصیتی و فشار روانی زنان مطلقه در سازمان های حمایتی وجود داشته باشد، این امر کمک شایانی به سیاست گذاران و برنامه ریزان عرصه های حمایتی و اجتماعی جهت برنامه ریزی های منسجم و پربار و وسیع جهت بهبود وضعیت این زنان خواهد داشت و از سوی دیگر پژوهشگران که در حیطه وضعیت اقشار آسیب پذیر به ویژه زنان طلاق به مطالعه می پردازند را کمک می نماید و می تواند راه گشای بهبود حمایت اجتماعی و کیفیت زندگی زنان مطلقه با ارائه دیدگاه های کلی باشد.

شکر کن، خجسته مهر و عطاری (۱۳۸۵) در بررسی ویژگی های شخصیتی به عنوان پیش بینی های موفقیت و شکست زندگی زناسویی دریافتند تفاوت زوجین متقاضی طلاق در هرپنج ویژگی روان آزرده خویی، برونگرایی، تجربه پذیری، موافق بودن و باوجدان بودن به طور معناداری بیش از زوجهای عادی است. شیرزاد و کاظمی فر (۱۳۸۴) در بررسی خود، شایع ترین علل طلاق را پایین بودن سطح سواد زوجین، اعتیاد، نداشتن بچه، بیکاری و فقر اقتصادی و پایین بودن سن زوجین هنگام ازدواج گزارش کرده اند. در مطالعه ظهیر الدین و خدایی فر (۱۳۸۰) رفتارهای تکاملی، روابط مختل بین فردی، خلق بی ثبات، خود بیمار انگاری، بدگمانی، اختلال سازگاری، افسردگی، انزوا، تفکر غیر معمول، اضطراب، وسواس و هراس به ترتیب بیشترین یافته ها در نیمرخ شخصیتی متقاضیان طلاق گزارش شده است. با توجه به مطالب ارائه شده، هدف از این پژوهش، بررسی مقایسه ویژگی های شخصیت (برونگرایی، روان رنجوری، انعطاف پذیری، دلپذیر بودن و وجدانی بودن) و سبکهای مقابله با استرس (مساله مدار و هیجان مدار) زنان مطلقه تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) و زنان عادی شهرستان کارون بود.

روش

طرح پژوهش، جامعه آماری، حجم نمونه و روش نمونه گیری: طرح پژوهش از نوع علی-مقایسه ای بوده و جامعه آماری آن شامل کلیه زنان مطلقه تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی و زنان عادی مراجعه کننده به کمیته امداد که پس از بررسی های صورت گرفته مشخص گردید که تعداد زنان مطلقه تحت پوشش ۲۲۰ نفر می باشند. نمونه این تحقیق مشتمل بر ۲۷۰ نفر زن بود که ۱۳۵ نفر مطلقه و ۱۳۵ نفر زن عادی بودند که برای انتخاب آنها از روش نمونه گیری تصادفی ساده استفاده شد.

روش اجرا

با مراجعه به کمیته امداد از زنان مطلقه تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) خواسته شد که در صورت تمایل، پرسشنامه های تحقیق را تکمیل کنند و زنان عادی نیز از بین مراجعین اداری به کمیته امداد

امام خمینی که لیست آنان از واحدهای ارایه دهنده خدمات اخذ شد و بعد از آن پرسشنامه‌ها به آزمودنیها داده شد که پس از پر کردن آنها پرسشنامه‌ها جمع آوری شد. برای تحلیل داده‌ها از واریانس چندمتغیره و واریانس تک متغیره استفاده شد.

ابزار سنجش

الف) پرسشنامه شخصیت نئو فرم کوتاه^۱ (۶۰ سؤالی): مک کری و کاستا^۱ (۱۹۸۵)، پرسشنامه‌ای تحت عنوان نئو (NEO)^۲ برای اولین بار با ۱۸۵ سوال تدوین کردند. که بعدها ۶۰ سؤالی آن را نیز تدوین کردند. این آزمون پنج مورد از ویژگی‌های شخصیتی افراد را مورد سنجش قرار می‌دهد که این ویژگی‌ها عبارتند از: روان رنجوری^۳ (A)، برون‌گرایی^۴ (E)، باز بودن به تجربه^۵ (O)، توافق^۶ (A) و وجدانی بودن^۷ (C). هر کدام از این ویژگی‌هایی در این آزمون با ۱۲ مورد سوال مورد سنجش قرار می‌گیرند.

مک کری و کاستا^۸ (۲۰۰۴) در تحقیقی که برای تجدید نظر در پرسشنامه (NEO-FFI) بر روی ۱۹۲۴ نفر افراد بزرگسال انجام دادند. ضرایب همبستگی این آزمون را با آزمون ۲۴۰ سوالی برای پنج ویژگی شخصیتی: روان‌نژندگرایی، برون‌گرایی، باز بودن، توافق‌پذیری و وجدانی بودن به ترتیب ۰/۸۳، ۰/۹۱، ۰/۷۶ و ۰/۸۶ گزارش کرده‌اند. کیامهر (۱۳۸۱) پس از هنجاریابی این آزمون بر روی دانشجویان شهر تهران، ضرایب همبستگی این آزمون را با آزمون نئو فرم ۲۴۰ سؤالی آن برای پنج عامل N، E، O، A و C به ترتیب ۰/۷۵، ۰/۹۱، ۰/۷۱، ۰/۷۸، ۰/۷۵ گزارش کرده است. مک کری و کاستا (۲۰۰۴) در تحقیقی که برای تجدید نظر در پرسشنامه (NEO-FFI) بر روی ۱۹۴۲ نفر افراد بزرگسال انجام دادند. ضریب آلفای کرونباخ را برای پنج عامل روان‌نژندگرایی، برون‌گرایی، باز بودن، توافق‌پذیری و وجدانی بودن را به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۸۰، ۰/۷۵، ۰/۶۹، ۰/۷۹ گزارش کردند. کیامهر (۱۳۸۱) پایایی این آزمون را با روش بازآزمایی (اجرای مجدد بر روی ۳۳۶ نفر) برای پنج عامل N، E، O، A و C به ترتیب ۰/۸۴، ۰/۸۲، ۰/۷۸، ۰/۶۵، ۰/۸۶ و آلفای کرونباخ را برای این عوامل به ترتیب ۰/۷۹، ۰/۷۳، ۰/۴۲، ۰/۵۸، ۰/۷۷ گزارش کرده است. مهدی‌زارعی (۱۳۸۶) برای بدست آوردن پایایی این آزمون، از روش آلفای کرونباخ و تنصیف استفاده کرد ضرایب برای پنج عامل N، E، O، A و C به ترتیب ۰/۷۸، ۰/۷۴، ۰/۶۷، ۰/۸۷، ۰/۷۸ بدست آورد. پایایی این ابزار در پژوهش حاضر با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۷۵ به دست آمد.

ب) پرسشنامه سبکهای مقابله ای لازاروس: این پرسشنامه توسط لازاروس و فولکمن^۹ (۱۹۸۵) تهیه شده است که شامل ۶۶ ماده است. که هشت روش مقابله ای مسأله محور و هیجان محور بودن آنها را اندازه گیری می‌کند. نمره گذاری هشت نوع کنار آمدن را توصیف می‌نماید که بر اساس یک مقیاس چهارگزینه‌ای لیکرت که نشان دهنده‌ی فراوانی هر یک از سبک‌های مورد استفاده است پاسخ داده می‌شود در این

۱. McCrae and kasta
۲. NEO Personality Inventory
۳. Neuroticism
۴. Extraversion
۵. Openness to experience
۶. Agreeableness
۷. Conscientiousness
۸. McCrae & Costa
۹. Lazarus & Folkman

صورت صفر نشانگر (استفاده نکردم) یک نشانگر (تاحدی به کار بردم) دو نشانگر (بیشتر مواقع به کار بردم) و سه (نشانگر زیاد به کار بردم) است. قسمت مسأله محور داری ۴ ویژگی می باشد که عبارتند از: جستجوی حمایت اجتماعی، مسئولیت پذیری، حل مدبرانه مسئله و ارزیابی - مجدد مثبت است. قسمت هیجان محور نیز شامل ۴ ویژگی می باشد که عبارتند از: رویارویی، دوری گزینی، خویشتن داری و گریز - اجتناب لازاروش ثبات درونی ۰/۷۹ تا ۰/۶۶ را برای هر یک از روشهای مقابله ای مسئله مدار و هیجان مدار محاسبه نمود. در تحقیقی که توسط بشر دوست در سال ۱۳۷۴ انجام شد ضریب الفای کرونباخ (پرسشنامه ی روشهای کنار آمدن) لازاروس برابر ۰/۸۴ به دست آورد. در تحقیق حاضر برای تعیین پایایی پرسشنامه سبک های مقابله ای از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که برای کل پرسشنامه برابر با ۰/۸۸، که بیانگر ضرایب پایایی مطلوب پرسشنامه یاد شده می باشد.

یافته ها

پژوهش حاضر، شامل فرضیه های زیر است که هر فرضیه همراه با نتایج به دست آمده از تجزیه و تحلیل آن در این بخش ارائه می گردد.
فرضیه ۱: بین ویژگی های شخصیت (برونگرایی، روان رنجوری، انعطاف پذیری، دلپذیر بودن و وجدانی بودن زنان مطلقه و عادی تفاوت وجود دارد).

جدول ۱. نتایج تحلیل واریانس چند متغیری (مانوا) روی نمرات (ویژگی های شخصیت روان رنجوری، برونگرایی، انعطاف پذیری، دلپذیر بودن، وجدانی بودن) زنان مطلقه و زنان عادی

نام آزمون	مقدار	DF فرضیه	DF خطا	F	سطح معنی داری (p)
آزمون اثر پیلایی	۸۸۵	۱۰	۵۲۸	۵۱,۲۴۷	۰,۰۰۰۱
آزمون لامبدای ویلکز	۰.۱۶۷	۱۰	۵۲۶	۷۵,۶۶۸	۰,۰۰۰۱
آزمون اثر هتلینگ	۴,۰۴۱	۱۰	۵۲۴	۱۰۵,۷۲۶	۰,۰۰۰۱
آزمون بزرگترین ریشه روی	۳,۶۶۱	۵	۲۶۴	۲۰۰,۳۹۳	۰,۰۰۰۱

همان طوری که در جدول ۱ نشان داده شده است سطوح معنی داری همه آزمون ها، بیانگر آن هستند که بین زنان مطلقه و زنان عادی حداقل از لحاظ یکی از متغیرهای وابسته (ویژگی های شخصیت روان رنجوری، برونگرایی، انعطاف پذیری، دلپذیر بودن، وجدانی بودن) تفاوت معنی داری مشاهده می شود ($F=75,668$ و $p=0,0001$)، بنابراین فرضیه ۱ تایید می شود. برای پی بردن به تفاوت، نتایج حاصل از تحلیل واریانس یک متغیری در متن مانوا، در جدول ۲ آمده است.

- فرضیه ۲: بین ویژگی های شخصیت برونگرایی زنان مطلقه و زنان عادی تفاوت وجود دارد.
فرضیه ۳: بین ویژگی های شخصیت روان رنجوری زنان مطلقه و زنان عادی تفاوت وجود دارد.
فرضیه ۴: بین ویژگی های شخصیت انعطاف پذیری زنان مطلقه و زنان عادی تفاوت وجود دارد.
فرضیه ۵: بین ویژگی های شخصیت دلپذیر بودن زنان مطلقه و زنان عادی تفاوت وجود دارد.
فرضیه ۶: بین ویژگی های شخصیت وجدانی بودن زنان مطلقه و زنان عادی تفاوت وجود دارد.

جدول ۲. نتایج تحلیل واریانس تک متغیری در متن مانواری نمرات (ویژگی‌های شخصیت روان رنجوری، برونگرایی، انعطاف‌پذیری، دلپذیر بودن، وجدانی بودن) زنان مطلقه و زنان عادی

متغیرها	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی داری
برونگرایی	۱۹۰۶۸,۳۱۹	۲	۹۵۳۴,۱۵	۱۲۹,۷۳	۰,۰۰۰۱
روان رنجوری	۳۹۰۸۴,۸۳۰	۲	۱۹۵۴۲,۴۱۵	۳۷,۰۴	۰,۰۰۰۱
انعطاف‌پذیری	۵۴۱۰,۸۲۲	۲	۲۷۰۵,۴۱۱	۳۱,۰۹	۰,۰۰۰۱
دلپذیر بودن	۲۳۷۸۲,۱۵	۲	۱۱۸۹۱,۰۷۸	۱۲۹,۳	۰,۰۰۰۱
وجدانی بودن	۱۱۲۱,۴۸۹	۲	۵۶۰,۷۴	۵,۷	۰,۰۰۰۱

همان طوری که در جدول ۲ مشاهده می‌شود بین زنان مطلقه و زنان عادی از لحاظ ویژگی و ویژگی‌های شخصیت برونگرایی زنان مطلقه و زنان عادی تفاوت وجود دارد. ($F = ۱۲۹,۷۳$ و $p = ۰,۰۰۰۱$). بنابراین فرضیه ۲ تایید می‌گردد.

به عبارت دیگر، با توجه به میانگین‌های دو گروه، زنان مطلقه نسبت به زنان عادی از لحاظ ویژگی شخصیتی برونگرایی از میانگین پایین‌تری برخوردارند.

بین زنان مطلقه و زنان عادی از لحاظ ویژگی روان رنجوری تفاوت معنی داری وجود دارد ($p = ۰,۰۰۰۱$ و $F = ۳۷,۰۴$). بنابراین فرضیه ۳ تایید می‌گردد به عبارت دیگر، با توجه به میانگین‌های دو گروه، زنان مطلقه نسبت به زنان عادی از لحاظ ویژگی شخصیتی روان رنجوری از میانگین بالاتری برخوردارند.

بین زنان مطلقه و زنان و زنان عادی از لحاظ ویژگی انعطاف‌پذیری تفاوت معنی داری وجود دارد ($F = ۳۱,۰۹$ و $p = ۰,۰۰۰۱$). بنابراین فرضیه ۴ تایید می‌گردد. به عبارت دیگر، با توجه به میانگین‌های دو گروه، زنان مطلقه نسبت به زنان عادی از لحاظ ویژگی شخصیتی انعطاف‌پذیری از میانگین پایین‌تری برخوردارند.

بین زنان مطلقه و زنان عادی از لحاظ ویژگی دلپذیر بودن تفاوت معنی داری وجود دارد ($p = ۰,۰۰۰۱$ و $F = ۳,۱۲۹$). بنابراین فرضیه ۵ تایید می‌گردد. به عبارت دیگر، با توجه به میانگین‌های دو گروه، زنان مطلقه نسبت به زنان عادی از لحاظ ویژگی شخصیتی دلپذیر بودن از میانگین پایین‌تری برخوردارند.

بین زنان مطلقه و زنان عادی از لحاظ ویژگی وجدانی بودن تفاوت معنی داری وجود دارد ($p = ۰,۰۰۰۱$ و $F = ۵,۷$). بنابراین فرضیه ۶ تایید می‌گردد. به عبارت دیگر، با توجه به میانگین‌های دو گروه، زنان مطلقه نسبت به زنان عادی از لحاظ ویژگی شخصیتی وجدانی بودن از میانگین پایین‌تری برخوردارند.

۷. بین سبک‌های مقابله با استرس هیجان‌مدار زنان مطلقه و زنان عادی تفاوت وجود دارد.

۸. بین سبک‌های مقابله‌ای با استرس مسئله‌مدار زنان مطلقه و زنان عادی تفاوت وجود دارد.

جدول ۳. نتایج تحلیل واریانس چند متغیری (مانوا)

روی نمرات سبک های مقابله با استرس مسئله مدار و هیجان مدار (زنان مطلقه و زنان عادی

نام آزمون	مقدار	DF فرضیه	DF خطا	F	سطح معنی داری (p)
آزمون اثر بیلابی	.۶۶۸	۴	۵۳۴	۶۶,۸۸۲	۰,۰۰۰۱
آزمون لامبدای ویلکز	.۳۵۰	۴	۵۳۲	۹۱,۷۱۷	۰,۰۰۰۱
آزمون اثر هتلینگ	۱,۸۰۴	۴	۵۳۰	۱۱۹,۵۰۴	۰,۰۰۰۱
آزمون بزرگترین ریشه روی	۱,۷۷۵	۲	۲۶۷	۲۳۶,۹۸۴	۰,۰۰۰۱

همان طوری که در جدول ۳ نشان داده شده است سطوح معنی داری همه آزمون‌ها، بیانگر آن هستند که بین زنان مطلقه و زنان عادی حداقل از لحاظ یکی از متغیرهای وابسته (سبک های با استرس هیجان مدار و مسئله مدار) تفاوت معنی داری مشاهده می شود ($F=91,717$ و $p=0,0001$)، برای پی بردن به تفاوت، نتایج حاصل از تحلیل واریانس یک متغیری در متن مانوا، در جدول ۴ آمده است.

جدول ۴. نتایج تحلیل واریانس تک متغیری در متن مانوا روی نمرات

(سبک های مقابله با استرس هیجان مدار و مسئله مدار) زنان مطلقه و زنان عادی

متغیرها	مجموع مجذورات درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی داری
راهبرد مقابله با استرس مسئله مدار	۴۳۴۶۷,۵۸۵	۲۱۷۳۳,۷۹۳	۱۷۴,۹۹۹	۰,۰۰۰۱
راهبرد مقابله با استرس هیجان مدار	۳۲۴۳,۴۸۹	۱۶۲۱۵,۷۴۴	۱۳۷,۸۷۷	۰,۰۰۰۱

همان طوری که در جدول ۴ مشاهده می شود بین زنان مطلقه و زنان عادی از لحاظ سبک های مقابله با استرس مسئله مدار تفاوت معنی داری وجود دارد ($F=174,999$ و $p=0,0001$). بنابراین فرضیه ۷ تأیید می گردد. به عبارت دیگر، با توجه به میانگین های دو گروه، زنان مطلقه نسبت به زنان عادی در متغیر سبک های مقابله ای مسئله مدار از میانگین پایین تری برخوردارند.

بین زنان مطلقه و زنان عادی از لحاظ سبک های مقابله با استرس هیجان مدار تفاوت معنی داری وجود دارد ($F=137,877$ و $p=0,0001$). بنابراین فرضیه ۸ تأیید می گردد. به عبارت دیگر، با توجه به میانگین های دو گروه، زنان مطلقه نسبت به زنان عادی در متغیر سبک های مقابله ای هیجان مدار از میانگین بیشتری برخوردارند.

بحث و نتیجه گیری

بر اساس هدف پژوهش ۸ فرضیه تدوین شد که به نتایج و تبیین آنها پرداخته می شود. بین ویژگی های شخصیت (برونگرایی، روان رنجوری، انعطاف پذیری، دلپذیر بودن و وجدانی بودن) زنان مطلقه و زنان عادی تفاوت وجود دارد.

نتایج جدول ۱ نشان داد که بین زنان مطلقه و زنان عادی از لحاظ ویژگی برونگرایی، روان نژندگرایی، باز بودن به تجربه، توافق و وجدانی بودن تفاوت معنی داری وجود دارد ($F=129,73$ و $p=0,0001$). بنابراین فرضیه ۱ تأیید شده چنان طبق جدول ۲ فرضیه های ۲ تا ۶ تأیید شدند.

نتایج این یافته با برخی پژوهش های شکر کن؛ خجسته مهر و عطاری (۱۳۸۵)، شیرزاد و کاظمی

فر (۱۳۸۴)؛ ظهیرالدین و خدائی فر (۱۳۸۰) و لورنز و ویکراما (۲۰۰۶) هماهنگ است. در تبیین این نتایج میتوان گزارش نمود که:

ویژگی برونگرایی یعنی مثبت‌اندیشی و انرژی زیاد که احتمالاً به تعارض کمتر منجر می‌شود برونگرایی به عنوان یک عامل مثبت ممکن است در کارکردهای زناشویی و خانوادگی ایفای نقش کند و مانع از نارضایتی زناشویی و در نهایت طلاق شود. نتایج محقق در این پژوهش نیز نشان داد که برونگرایی زنان عادی نسبت به زنان مطلقه بیشتر است. اشخاص معطف هم دربارهٔ دنیای درونی و هم دربارهٔ دنیای بیرونی کنجکاو هستند و زندگی آن‌ها از لحاظ تجربی غنی است. آنها مایل به پذیرش عقاید جدید و ارزش‌های غیر متعارف بوده و بیشتر و عمیق‌تر از اشخاص غیر انعطاف‌پذیر هیجان‌های مثبت و منفی را تجربه می‌کنند. انعطاف‌پذیری مخصوصاً با جنبه‌های مختلف هوش چون تفکر و اگرچه که عاملی در خلاقیت می‌باشد، مربوط است. افرادی که نمرهٔ پایینی در انعطاف‌پذیری می‌گیرند متمایل هستند که رفتار متعارف داشته و دیدگاه خود را حفظ نمایند. این افراد تازه‌های آشناتر را ترجیح می‌دهند و پاسخ‌های عاطفی آنها خیلی محدود است. انعطاف‌ناپذیری به نابد باری، خصمانه یا قدرت‌طلبی پر خاشگرانه دلالت ندارد. این ویژگی‌ها به احتمال زیاد نشانهٔ درجهٔ دلپذیری در سطح خیلی پایین است. ویژگی انعطاف‌پذیری باعث منطقی‌بودن و نگرش آزادمنشانه در افراد می‌شود، این افراد نظرات دیگران از جمله همسران خود را گوش می‌دهند و درک می‌کنند و می‌توانند سختی‌ها را تحمل کنند و به تفاوت‌های موجود در افکار و رفتار احترام بگذارند بدین طریق بسیاری از تعارضات را بین خویش کاهش می‌دهند و در زندگی مشترک از توافق و همکاری بیشتری برخوردارند نتایج محقق در این پژوهش نیز نشان داد که انعطاف‌پذیری زنان عادی نسبت به زنان مطلقه بیشتر است.

دلپذیر بودن همانند برون‌گرایی، در ابتدا بُعدی از تمایلات بین فردی است. یک فرد دلپذیر اساساً نوع دوست است. او نسبت به دیگران همدردی کرده و مشتاق است که کمک کند و باور دارد که دیگران نیز متقابلاً کمک‌کننده هستند. ویژگی‌هایی همچون رنگ‌گویی دگر دوستی، همراهی، دل‌رحمی و تواضع مشخصه‌های دلپذیر بودن است چنین فرد سازش‌یافته‌ای دیگران را دوست دارد و به آن‌ها کمک می‌کند بنابراین دلپذیر بودن در روابط زناشویی به عنوان یک عامل مثبت ایفای نقش می‌کند زیرا این فرد همسر خود را دوست داشته و در تمامی مراحل زندگی به عنوان یک دوست و حامی در کنار او قرار گرفته و در سختی‌های زندگی شریک خویش را رها نمی‌سازد نتایج محقق در این پژوهش نیز نشان داد که دلپذیر بودن زنان عادی نسبت به مطلقه بیشتر است.

فرد با وجدان هدفمند، با اراده و مصمم می‌باشد. افراد موفق، موسیقی دانان بزرگ و ورزشکاران بنام این صفات را در حد بالا دارند. نمرهٔ بالا در با وجدان بودن با موفقیت شغلی و تحصیلی همراه است. نمرهٔ پایین در با وجدان بودن ممکن است موجب شود که فرد از باریک بینی لازم، دقت و پاکیزگی زیاد و محتاط کار بودن اجتناب کند. افراد با نمرهٔ بالا در با وجدان بودن بسیار دقیق، خوش قول و مطمئن هستند. اما افراد با نمرات پایین تر با وجدان بودن لزوماً فاقد اصول اخلاقی نیستند. مدارکی وجود دارد که این افراد خیلی لذت‌گرا بوده و علاقهٔ زیادی به امور جنسی دارند.

هم چنین نتایج نشان داد که وجدانی بودن زنان عادی نسبت به زنان مطلقه بیشتر است در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت که از آنجایی که بهترین توصیف‌کننده این بعد مفهوم اراده است و نیز اینکه با وجدان

بودن با موفقیت شغلی، تحصیلی تلاش برای منضبط بودن و باریک بینی همراه است. زنان مطلقه به دلیل درگیری های شدید با مشکلاتی در انجام وظایف شخصی، خانوادگی و مادری برخورد می کنند که آنان را نسبت به انجام وظایف خویش دلسرد و بی تفاوت می نماید.

نتایج جدول ۴ نشان داد که بین زنان مطلقه و زنان عادی از لحاظ سبک های مقابله با استرس مسئله مدار تفاوت معنی داری وجود دارد ($F=174,999$ و $p=0,001$) بنابراین فرضیه ۷ بین سبک های مقابله ای با استرس مسئله مدار زنان مطلقه و زنان عادی تفاوت وجود دارد و فرضیه فوق تایید می گردد همچنین بین زنان مطلقه و زنان عادی از لحاظ سبک های مقابله با استرس هیجان مدار تفاوت معنی داری وجود دارد ($F=137,877$ و $p=0,001$). بنابراین فرضیه ۸ تأیید می گردد.

نتایج این پژوهش نشان داد زنان مطلقه از سبک های مقابله ای هیجان مدار در موقعیت های فشارزای زندگی استفاده می کنند و زنان عادی نسبت به زنان مطلقه از سبک های مقابله ای مسئله مدار استفاده می کنند. این نتایج با جنبه هایی از تحقیقات لرنز و ویکراما (۲۰۰۶) و بنت و ویلز (۲۰۱۰) همخوان است. در تبیین یافته ها می توان گفت عوامل زیادی بر روی کنار آمدن با استرس و سلامت روان زنان تاثیر می گذارند از جمله این عوامل طلاق است که فرد را در مقابل سطوح بالای استرس آسیب زا می نماید زنان مطلقه معمولاً از شیوه های مقابله ای هیجان محور استفاده می کنند و لذا با موقعیت های مختلف به گونه ای ناسازگارانه مواجه می شوند و سازش روان شناختی کمتری نشان می دهد. به دلیل اینکه این دسته از زنان سبک زندگی ناقصی دارند و در شرایط حاد و بحرانی و نگرانی مستمر به سر می برند رویدادها را بیشتر استرس زا ارزیابی نموده و سطح مقاومت آنان در برابر فشارهای روانی کاهش می یابد.

منابع

- شکر کن، حسین، خجسته مهر، رضا، عطاری، یوسفعلی. (۱۳۸۵). بررسی ویژگیهای شخصیتی، مهارتهای اجتماعی، سبکهای دلبستگی و ویژگیهای جمعیت شناختی به عنوان پیش بینهای موفقیت و شکست رابطه زناشویی در زوجهای متقاضی طلاق و عادی شهرستان اهواز، مجله علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه شهید چمران شماره ۱۳.
- شاه نظری، قادری. (۱۳۸۴). روان شناسی شخصیت، نشر سماط - شیرزاد، جلال، کاظمی فر، امیر محمد، آذر و دی. (۱۳۸۴). آسیب شناسی طلاق، مجله دادرسی، شماره ۵۳ (۴ صفحه از ۳۴ تا ۳۷)
- ظهیرالدین، علیرضا؛ خدایی فر، فاطمه. (۱۳۸۰). بررسی نیم رخدای شخصیتی مراجعین طلاق به دادگاه خانواده تهران. مجله دو ماهنامه علمی پژوهشی فیض، دوره ۷ شماره ۱ فصلنامه ۱۳۸۲ صص ۱-۷
- کیامهر، جواد. (۱۳۸۱). هنجاریابی فرم کوتاه پرسشنامه پنج عاملی نئو و بررسی ساختار عاطفی آن در بین دانشجویان علوم انسانی دانشگاههای تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، سنجش و اندازه گیری، دانشگاه علامه طباطبایی تهران، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی.
- Bennett H. & Well S. A. (2010); Meta cognition, Memory Disorganization and Rumination in Post- traumatic Stress Symptoms. Journal of Anxiety Disorder, 24(3) : 318-25
- , Bounds, R. (2006). Factors Affecting Perceived Stress in Pre-Hospital Emergency Medical Services. Jour-

- nal of Health Promotion, 4 (2): 113-131.
- Gottman, J. M. & Levevson, R. W. (2000). A two-factor model for prrditing of family process, 41(1), 83-96
- Lazarus, R. S. & Folkman, S. (1985); Appraisal, coping, health status and psychological symptom; Journal of Personality and Social Psychology; 50, 571-579
- Lorenz, O. F. ; Wickrama,S. K. A. ; Conger, D. R. & Elder, H. G. (2006). The short term and decade long effects of Divorce on Women Midlife Health; Journal of Health and Social Behavior[NLM-MedLine]; 47(2):111.
- McCrae, R. R. & Costa, P. T. (2004); A Contemplated Revision of NEO five factor Inventory; Journal of Personality and Individual Differences; 36, 587-596.
- Troxel, w.m(2006).maritalquality,communal Strengths, and physical health Doctoral thesis university Of Pittsburgh

Comparison of Personality Traits and Stress Coping Styles Among Woman Supported By Imam Khomeini Relief Committee (Ra) and Ordinary Women

S. Mohit**

P. Askary*

Abstract

The aim of this study was to compare personality traits and stress coping styles among woman who were supported by Imam Khomeini Relief Committee (RA) and ordinary women. This study was a causal-comparative study. The sample subsumed 270 (135 divorced and 135 ordinary women) women whom were selected through simple random sampling. The research instruments included NEO Personality Traits Questionnaires (1985) and Flkmm Lazarus Coping Styles Scale (1985). The data was analyzed by using multivariate analyzes of variance (MANOVA). Both groups answered to the questionnaires. The results showed that there were significant differences between personality traits (Extroversion, Neuroticism, Flexibility, Pleasure, Conscientiousness) and coping styles (Excitement oriented and Problem oriented) in divorced women under the Imam Khomeini Relief Committee coverage and the normal women. In other words, the mean of divorced women in comparison with normal women had a lower mean in terms of extraversion, flexibility and pleasantness and conscientiousness. In contrast, the mean of neuroticism had a higher score and in terms of coping style, normal women were more likely to have more excitement-oriented coping styles.

Keywords: Personality traits, coping styles, divorced women.

*Department of Psychology, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran (corresponding author, email: Askary47@yahoo.com)

** Department of Psychology, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran